

جان کاتینگھم

دکارت

ترجمہ

اکبر معصوم بیگی



فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۲	نشانه‌های اختصاری
۱۳	انقلاب دکارت
۱۳	دکارت دانشمند
۱۷	زندگی و کار
۳۱	ذهن غیرمادی
۳۱	شکِ نظام‌مند و سرشتِ خویشتن (نفس)
	«دریافت حسی روشن و متمایز» و امکان منطقی ذهن‌های
۴۳	فارغ از تن
۵۰	تقسیم‌ناپذیری آگاهی
۵۵	انسان راستین
۵۵	ابطال «فرشته‌گرایی» از جانب دکارت
۶۱	«مفهوم‌های نخستین» و اتحاد جوهری
۶۸	سرشت آدمی و انفعالات

انقلاب دکارت

دکارت دانشمند

نام رنه دکارت مرادف تولد عصر جدید است. فیلسوفان «نو»، چنان که او و پیروان اش را در سده‌ی هفدهم به این نام می‌خواندند، تغییری بنیادی در اندیشه‌ی علمی آغاز نهادند که پیامدهای آن هنوز تا همین امروز با ماست. در واقع، دکارت یکی از معماران اصلی مفهوم «اندیشه‌ی علمی» است که امروز در میان ما رواج دارد. دکارت تأکید دارد که تمامی توضیح علمی می‌بایست در قالب کمیت‌های دقیق و مبتنی بر ریاضیات بیان گردد:

من جدا از آن چه هندسه‌دانان کمیت می‌نامند و آن را موضوع برهان‌های خود می‌شمارند، به عبارت دیگر، هر نوع تقسیم، شکل و حرکت در مورد آن به کار بستنی است، ماده‌ی دیگری را در چیزهای جسمانی به رسمیت نمی‌شناسم. افزون بر این، توجه من به چنین ماده‌ای مطلقاً مستلزم هیچ چیز جدا از این تقسیم‌ها، شکل‌ها و حرکت‌ها نیست... و چون همه‌ی پدیدارهای طبیعی را می‌توان به این شیوه توضیح داد، گمان ندارم که هیچ‌گونه اصول دیگری در فیزیک نه پذیرفتنی باشد و

نه خواستنی (اصول فلسفه [۱۶۴۴] بخش دوم، اصل ۶۴).

البته تصویر روزمره‌ی عادی ما از جهان بسیار دور از این تصویر صرفاً کمی است: تصویر ما گذشته از اندازه، شکل و حرکت متضمن مقدار فراوانی کیفیت‌های گوناگون است، یعنی همه‌ی رنگ‌ها، مزه‌ها، بوها، طعم‌ها و صداهایی که ما از راه حواس پنجگانه مان بر آن‌ها وقوف می‌یابیم. و فلسفه‌ی سنتی «مدرسی»، که قرن‌های متمادی بر دانشگاه‌های اروپا سلطه داشته است، جهان طبیعی را معمولاً در قالب چنین «کمیت‌های واقعی» («سنگینی»، «رطوبت»، «خشکی» و مانند آن) توضیح داده است که گمان می‌رفت ذاتی چیزها باشند. امروزه، به عکس، همه‌ی دانشمندان این امر را بدیهی می‌گیرند که کوشش برای توضیح چیزها صرفاً در این سطح «فهم متعارف» کافی نیست: لازم است ژرفا را بکاویم، سطح خرد را کندوکاو کنیم و به پژوهش در کنش و واکنش میان ذراتی پردازیم که جهان معمولی چیزهای متوسط از آن‌ها فراهم می‌آیند. اعلام رأی پرآوازه‌ی دکارت در باب اصول علمی کارش درست بر همین نیاز تأکید می‌ورزد. فیزیک، از این پس، به صورت پژوهش در سازوکارهایی توضیحی درمی‌آید که در سطح خرد عمل می‌کند؛ و عملکردهای این سازوکارها را باید به زبان دقیق ریاضیات توصیف کرد.

اما بینش دکارت از علم باز هم جاه‌طلبانه‌تر بود. او تأکید داشت که همین طرح‌های توضیحی بنیادی برای همه‌ی پدیده‌های قابل مشاهده مفید است: از انقلاب‌های گسترده‌ی اجرام سماوی تا رویدادهایی در جو و بر روی سطح زمین و حتی فرایندهای میکروسکوپی که درون تن‌های ما رخ می‌دهد. دکارت، در یک کلام، تقلیل‌گرا بود؛ به این معنا که مدعی بود همه‌ی پدیده‌های طبیعی را، از زمینی یا آسمانی، آلی یا غیرآلی، قطع نظر از این که تفاوت‌های